

آیا شهادت خویشاوندان در دادگاه پذیرفته

می‌شود؟

7 مهر 1401

شهادت شهود یکی از دلایل اثبات دعوا در دادگاه‌ها است که براساس قانون، برای اثبات هر نوع از دعاوی، تعداد خاصی از شهود (معمولاً دو شاهد مرد، یا یک مرد و دو زن) می‌بایست به دادگاه معرفی تا گواهی ایشان شنیده شده و ادعای مدعی اثبات گردد.

یکی از شایع‌ترین مواردی که نیازمند شهادت شهود است، دعاوی مالی و اثبات قراردادهای و توافقات شفاهی است. اما در بسیاری موارد، خواهان از معرفی خویشاوندان نزدیک خود به عنوان شاهد هراس داشته و نگران عدم قبول این شهود از سوی دادگاه است. این نگرانی برخاسته از مقررات سابق قانون آیین دادرسی کیفری است که براساس آن، شهود نمی‌توانستند از خویشاوندان نزدیک مدعی (خواهان یا شاکی) باشند و شهادت خویشاوندان سببی و نسبی تا درجه سوم از طبقه دوم اعم از آنکه به نفع یا ضرر هر یک از طرفین دعوا بود پذیرفته نمی‌شد که دلیل آن نیز جلوگیری از سوءاستفاده افراد از این موضوع بود. چراکه بسیاری از افراد امکان این را داشتند که دعاوی واهی علیه دیگران مطرح و با معرفی نزدیکان خود به عنوان شاهد، دعوا را اثبات و برخلاف حقیقت حقوق دیگران را تضییع و به آن خسارت وارد نمایند. اما به دلایلی این مقرر حذف و قانون در این خصوص اصلاح گردید. بنابراین در حال حاضر به چند دلیل، می‌توان گفت علی‌الاصول شهادت خویشاوندان از هر درجه و طبقه‌ای که باشند در دادگاه پذیرفته است مگر در شرایطی که در انتهای این نوشتار به آن اشاره خواهیم نمود.

ابتدا به دلایل پذیرفته بودن چنین شهادتی در [دادگاه‌های](#) امروزی می‌پردازم. اولاً به لحاظ منطقی، بسیاری از امور و توافقات و قراردادهایی که در میان افراد رخ می‌دهد، صرفاً در فضای خانواده و در میان خویشاوندان صورت می‌گیرد. لذا در این شرایط، الزام مدعی به اینکه شهودی خارج از نزدیکان خود به دادگاه معرفی کند، برخلاف منطوق بوده و در نتیجه منجر به تضییع حق بسیاری از افراد می‌شد. ثانیاً در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب 1392 صراحتاً این موضوع پیش‌بینی شده است که «قرابت نسبی یا سببی مانع از پذیرفتن شهادت شرعی نیست» (تبصره ماده 322 قانون آیین دادرسی کیفری) بنابراین صرف خویشاوندی شاهد با یکی از طرفین دعوا، به خودی خود نمی‌تواند موجبی برای عدم پذیرش شهادت وی باشد. به ویژه آنکه براساس قانون مجازات اسلامی (ماده 177) شرایطی برای شاهد تعیین شده که زیلاً قید می‌گردد و همچنان‌که مشاهده می‌شود هیچ‌یک از این شرایط، اشاره‌ای به قرابت یا عدم قرابت اصحاب دعوی با شاهد معرفی شده ندارد:

«شاهد شرعی در زمان ادای شهادت باید شرایط زیر را دارا باشد:

- الف- بلوغ ب- عقل پ- ایمان ت- عدالت ث- طهارت مولد ج- ذینفع نبودن در موضوع چ- نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها ح- عدم اشتغال به تکدیخ- ولگرد نبودن
- تبصره ۱- شرایط موضوع این ماده باید توسط قاضی احراز شود.
- تبصره ۲- در مورد شرط خصومت، هرگاه شهادت شاهد به نفع طرف مورد خصومت باشد، پذیرفته

می‌شود.»

اما پذیرفته بودن شهادت خویشاوندان به آن معنا نیست که دادگاه هرگونه شهادتی را که از سوی شهود خویشاوند ارایه می‌شود به‌طور مطلق خواهد پذیرفت. بلکه اعتبار شهادت، در هر صورت به نظر دادگاه بستگی دارد و چنانچه دادگاه یکی از موارد مذکور در ماده فوق را در خصوص شاهد معرفی شده احراز کند؛ یا آنکه شهادت شاهد در تناقض با اوضاع و احوال مسلم موضوع و سایر دلایل و مدارک موجود در پرونده باشد، یا مفاد شهادت هر کدام از آنها با شاهد دیگر یا ادعای مدعی همخوانی نداشته و اصولاً برخلاف واقع بوده و این موضوع برای دادگاه محرز گردد، مسلماً نسبت به اعتبار چنین شهادتی تردید نموده و این احتمال وجود دارد که بدون توجه به محتوای گواهی شهود، براساس سایر مدارک و دلایلی که در پرونده ارایه شده، اتخاذ تصمیم کند.

**زهرا رنگریز